

مسابقه همراه با جوایز

❖ ۱۴ عدد کارت هدیه اعتباری سیمد هرزویلی
❖ فقط کیفیت تهیه صحیح و قبول مطبوحه درستی
را به اقریس ما میسند کنید

در این ویژه نامه میخوانیم:

رمز جاذبه حضرت علی (ع) چیست؟

انسان ها از لحاظ جاذبه و دافعه به چند دسته تقسیم می شوند؟

آیا اسلام دین جذب است یا دفع یا هر دو؟ حقیقت محبت چیست؟

و ...



دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
موسسه تخصصی و فرهنگی
موسسه تخصصی فرهنگی و دانشگاهیان قزوین برآمده

کد ویژه نامه:
۹۴۳۸

را داشته باشند. اما این آقایان باید بدانند تنها اهل محبت بودن کافی نیست اهل مسلک هم باید بود و به قول کلمی در این است مذهب من محبت باید با حقیقت توأم باشد و اگر با حقیقت توأم بود باید مسلکی بود و مسلکی بودن خواهد نتواند دشمن ساز است و در حقیقت دافعه ای است که عده ای را به مبارزه برمی انگیزد و عده ای را طرد می کند. اسلام نیز قانون محبت است. قرآن، پیغمبر اکرم را فرموده لعالمین معرفی می کند، و ما را استنادات الا رحمة للعالمین هدیه - ۱۰۷ - فرستادیم تو را مگر که مهر و رحمتی باشی برای جهانیان. یعنی نسبت به خطرناکترین دشمنان نیز رحمت باشی و به آنان محبت کنی. اما محبتی که قرآن دستور می دهد آن نیست که با هر کسی مطابق میل و خوشتانید او عمل کنید یا او مغروری رفتار کنیم که او خوشش بیاید و لزوماً به سوی ما کشیده شود. محبت این نیست که هر کسی را در تمایلاتش آزاد بگذاریم و یا تمایلات او را او ارضا کنیم. این محبت نیست بلکه نفاق و دورویی است. محبت آن است که با حقیقت توأم باشد. محبت خیر رساندن است و اعیاناً خیر رساندن ها به شکلی است که عاقله و محبت طرف را جلب نمی کند. چه بسا افرادی که انسان از این رهنگار به آنها علاقه می ورزد و آنها چون این محبت ها را با تمایلات خویش متخالف می بینند به جای قدرتی دشمنی می کنند. به علاوه محبت منطقی و عاقلانه آن است که خیر و صلاحیت جامعه بشریت در آن باشد نه خیر یک فرد و یا یک دسته یا بخصوصی. بسا خیر رساندن ها و محبت کردن ها به افراد که عین شر رساندن و دشمنی کردن با اجتماع است در تاریخ مصاحبن بزرگه بسیار می بینیم که برای اصلاح شؤون اجتماعی مردم می کوشیدند و رنجها را به خود هموار می ساختند اما در عوض جز کینه و آزار از مردم جوانی نمی دیدند پس اینچنین نیست که در همه جا محبت جاذبه باشد بلکه گاهی محبت به صورت دافعه ای بزرگ جلوه می کند که جمعیت هایی را علیه انسان متشکل می سازد و ثالثاً محبت تنها داروی علاج بشریت نیست در مذاکرات و مزاجیهایی شخصیات نیز ضرورت دارد و مبارزه و دفع و طرد لازم است. اسلام هم دین جذب و محبت است و هم دین دفع و نفیست.

۳. مردمی که دافعه دارند اما جاذبه ندارند.

۴. مردمی که هم جاذبه دارند و هم دافعه.

علی (ع) شخصیت دونویرویی

علی (ع) از مردانی است که هم جاذبه دارد و هم دافعه و جاذبه و دافعه او سخت نیرومند است.

منبع: جاذبه و دافعه علی (ع) - اثر استاد شهید مطهری - انتشارات صدرا
میل آنتنات و اینترنتها: quran.centralf@shome.ac.ir تلفن تماس: ۰۲۱۱۷۳۳۳۳۳

رزم جلاویه علی(ع)

سبب دوستی و محبت علی(ع) در دلتا چیست؟

رزم محبت را هنوز کسی کشف نکرده است یعنی نمی‌توان آنرا فرموله کرد و گفت اگر چنین شد چنان می‌شود و اگر چنان شد چنین، ولی البته رزمی دارد چیزی در محبوب هست که برای محبت از نظر زیبایی خیره کننده است و او را به سوی خود می‌کشد. جلاویه و محبت در درجات بالا عشق را ندیده می‌شود علی محبوب دلتا و معشوق است، محبت، چرا؟ و درجه جهنت؟ فوق العادگی، علی درجه است که عشقها

سؤال اول: رزم فوق العادگی حضرت علی(ع) در چیست که

عشق به حضرتش را در دلتا جاودانه کرده است؟

۱۱. نهمان بودن

۱۲. خدای انصافی و انسانی آن حضرت که در سطح عالی است.

۱۳. رنگ آبی داشتن آن حضرت و ایمان

۱۴. ایمان بودن آنحضرت

را برانگیخته و دلتا را به خود شیفته ساخته و رنگ حیات جلاویزی گرفته است و برای همیشه زنده است؟ چرا نکاه همه خود را با او آشنا می‌بینند و اصلاً او را مرده احساسی نمی‌کنند بلکه زنده می‌بینند؟

مسلماً ملاک دوستی او جسم او نیست، زیرا جسم او اکنون در بین ما نیست و ما آن را احساسی نکرده‌ایم و باز محبت علی از نوع فخر ماثل دوستی که در همه ملتها وجود دارد نیست هم نشانه است که بگوییم محبت علی از راه محبت فضیلتهای اخلاقی و انسانی است و حب علی حسب کیفیت است، درست است علی مظهر انسان کامل بود و درست است که انسان نمونه‌های عالی انسان را دوست می‌دارد اما اگر علی همه این فضایل انسانی را که داشت می‌داشت آن حکمت و آن علم آن فداکاریها و از خود گذشتگی‌ها، آن تواضع و فروتنی، آن ادب، آن مهربانی و معنویت، آن ضعیف آلودگی، آن معافیت آن آزادگی و اراده خواهی، آن احترام به انسان، آن ابتدال، آن شجاعت، آن مروت و مردانگی نسبت به دشمن، و به قول مولوی:

در شجاعت شیر ریختی / در مروت خود که داند کیستی؟
آن سخا و جود و کرم و ... اگر علی همه اینها را که داشت می‌داشت اما رنگ الهی نمی‌داشت، مسلماً این فکر که امروز عاطفه‌انگیز و محبت خیز است نبود.

علی از آن نظر محبوب است که پیوند الهی دارد. دل‌های ما بطور ناخودآگاه در انصاف خویش با حق، سر و سر و پیوستگی دارد و چون

سؤال: ۹۴۱۲۱۴ علی ابراهیمی، تیمارستان زخم

علی از آن نظر محبوب است که پیوند الهی دارد. دل‌های ما بطور ناخودآگاه در انصاف خویش با حق، سر و سر و پیوستگی دارد و چون علی را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می‌بیند به او عشق می‌ورزد. در حقیقت شناخته عشق علی پیوند جلاوی با حضرت حق است که برای همیشه در فطرتها نهاده شده و چون فطرتها جلاوی است مهر علی نیز جلاوی است.

نظم‌های روشن در وجود علی بسیار است اما آنچه برای همیشه او را درخشانده و نمایان فرار داده است ایمان و اخلاصی اوست و آن است که به وی جلوه الهی داده است.

سوده همدلی، باوری فداکار و دلناخته علی، در مقابل معاویه بر علی درود فرستاد و در وصفش گفت: درود خداوند بر روحی باد که او را خاک گرفت و عقل نیز با وی مدفون گشت با حق پیمان بسته بود که به جای آن بدلی نگزیند، پس با حق و با ایمان مفرین گشته بود.

آری، دنیا پرستان دنیا را برگزینند و در مقابل عدل و عدم انصاف علی، ناله می‌زنند و عقابت دست جمعی‌ها را کرده‌ها از آستین مردمی پیر اند.

و علی را شهید کرد.

علی (ع) در داشتن دوستان و محبان سر از پا نشانده که در راه ولایت و محبت او سر دادند و بر سر دار رفتند بی نظیر است تاریخچه‌های شگفت و جالب و حیرت‌انگیز آنها صفحات تاریخ اسلام را ممتنع ساخته است. صحت جناب کائناتی از قریل زمانین آیه و پسرش عبیدالله و حجاج بن یوسف و متوکل و در قیل همه اینها معاویه بن ابی سفیان به خون این زنده‌های انسانیت با ترفیق آلوده است.

اختلاف انسانها در جذب و دفع

افراد از لحاظ جذب و دفعه نسبت به افراد دیگر انسان، یکسان نیستند بلکه به طبقات مختلفی تقسیم می‌شوند:

۱. افرادی که نه جلاویه دارند و نه دافع: نه کسی آنها را دوست و نه کسی دشمن دارد، نه عشق و علاقه و ارادت آن‌ها را برمی‌انگیزد و نه عدولت و حسادت و کینه و نفرت کسی را بهی تفاوتی در بین مردم راه می‌رود، مثل این است که یک سنگ در میان مردم راه برود.

این، یک موجود سلط و بی اثر است. آدمی که هیچ گونه نقطه مثبتی در او وجود ندارد (مقصود از مثبت تنها جهت فضیلت نیست، بلکه تفاوتی نیز در اینجا مقصود است) نه از نظر فضیلت و نه از نظر زندقیت حیوانی است. غذایی می‌خورد و خوابی می‌رود و در میان مردم می‌گردد همچون گوسفندی که نه دوست کسی است و نه دشمن کسی، و اگر هم به او رسیدگی کنند و آب و علش دهند برای این است که در مواقع

سؤال دوم: اسلام چگونه دینی است؟

۱. دین جذب است

۲. دین دفع است

۳. دین جذب و دفع است

از گوشش استفاده کنند او نه موج موافق ایجاد می‌کند و نه موج مخالف. اینها یک دسته هستند. موجودات می‌آرزش و انسانهای بوج و نهی، زیرا انسان نیاز دارد که دوست بخارد و او را دوست بخارد و هم می‌تواند بگوید نیاز دارد که دشمن بخارد و او را دشمن بخارد.

۲. مردمی که جلاویه دارند اما دافع ندارند: با همه می‌جوشند و گرم می‌گیرند و همه مردم از همه طبقات را خرید خود می‌کنند: در زندگی همه کسی آنها را دوست دارد و کسی متکثر آنان نیست. وقتی همه که بمردن مسلمان با زرمندان می‌شوند و هندو بنان آنها را می‌سوزاند.

غالباً خیال می‌کنند که حسن خلق و لطف معاشرت و به اصطلاح امروزه «اجتماعی بودن» همین است که انسان همه را با خود دوست کند اما این برای انسان هدفدار و مسلکی - که فکر و اندیشه را در اجتماع تعقیب می‌کند و تیربار مصلحت خویش نمی‌اندیشد- میسر نیست. چنین انسانی خواه ناخواه بگرو و قاطع و صریح است مگر آنکه مطلق و دورو باشد. زیرا همه مردم همه چیز را نمی‌کنند و یک جور احساس ندارند و پسندهای همه یکسان نیست. در بین مردم دلتا همه دستگیر همه هست.

خوب هست بد هم هست. اجتماع منصف دارد، متعدی دارد، عادل دارد، ناسخ دارد و آنها همه نمی‌توانند یک نفر آدم را که هدفی را به طور جدی تعقیب می‌کند و خواه ناخواه با منافع بعضی از آنها تضاد پیدا می‌کند دوست داشته باشند. تنها کسی موفق می‌شود دوستی طبقات مختلف و مصالحین اندیشه‌های مختلف را جلب کند که متظاهر و دروغگو

بماند و با هر کسی مطلق میشت بگوید و نماند. اما اگر انسان بگردد باشد و مسلکی، قهار یک ندای او دوست می‌شوند و یک ندای نیز دشمن؟ ندای که با او در یک راهند به سوی او کشیده می‌شوند و گروهی که در راهی مخالف آن راه می‌روند او را طرد می‌کنند و با او می‌شیرند.

بعضی از مسیحیان که خود را و کیش خود را بیشتر محبت معرفی می‌کنند اندکی آنها این است که انسان کامل فقط محبت دارد و پس، پس فقط جلاویه دارد و پس، و شاید برخی هندوها نیز اندیشین اندکی

بماند و با هر کسی مطلق میشت بگوید و نماند. اما اگر انسان بگردد باشد و مسلکی، قهار یک ندای او دوست می‌شوند و یک ندای نیز دشمن؟ ندای که با او در یک راهند به سوی او کشیده می‌شوند و گروهی که در راهی مخالف آن راه می‌روند او را طرد می‌کنند و با او می‌شیرند.

بعضی از مسیحیان که خود را و کیش خود را بیشتر محبت معرفی می‌کنند اندکی آنها این است که انسان کامل فقط محبت دارد و پس، پس فقط جلاویه دارد و پس، و شاید برخی هندوها نیز اندیشین اندکی